

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Iran's M.

آئینه ایران

فرستنده: علی کاظمی

۰۴.۰۷.۱۰

## ایران در هفته‌ای که گذشت

### جمعه ۱۱ تیر ماه

#### بفرمانید! این هم محاکمه و مجازات برای مصرف خارجی

روز چهارشنبه، سازمان قضائی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی، با صدور اطلاعیه‌ای، خیر از آخرین نتایج رسیدگی به پرونده‌های متهمان زندان کهریزک داد.

اطلاعیه سازمان قضائی نیروهای مسلح می‌گوید:

به دنبال صدور کیفرخواست علیه ۱۲ نفر از متهمان پرونده بازداشتگاه کهریزک توسط دادسرای نظامی تهران، پرونده به دادگاه نظامی یک تهران ارجاع و رسیدگی به اتهامات متهمان انجام گردید. سرانجام، دادگاه دو نفر از متهمان را به اتهام ایراد ضرب و جرح عمدی منتهی به قتل مرحومان امیر جوادی‌فر، محسن روح‌الامینی و محمد کامرانی، علاوه بر حبس، انفصال موقت از خدمت، جزای نقدی، شلاق تعزیری و پرداخت دیه، به قصاص نفس و ۹ متهم دیگر را حسب اتهامات منتسب، به حبس، پرداخت دیه، جزای نقدی، انفصال موقت از خدمت و شلاق تعزیری محکوم نمود و یک نفر نیز تیرئه شد که حکم صادره غیر قطعی است و پس از طی مراحل قانونی اجراء می‌شود.

سازمان قضائی نیروهای مسلح در اطلاعیه خود می‌افزاید:

چون حمله به کوی دانشگاه نیز موجب تأثر شدید مقام معظم رهبری گردید، پیگیر این قضیه نیز شده است و پرونده‌ای برای رسیدگی به ضرب و شتم دانشجویان توسط "افراد متفرقه و غیر مسؤول"، و نیز عوامل اصلی اغتشاش و آشوب در کوی نیز تشکیل شده است. علاوه بر این، پرونده تخریب در مجتمع سبحان نیز مورد پیگیری قرار گرفت و تعدادی از عوامل دخیل شناسائی و مورد تعقیب قرار می‌گیرند.

اطلاعیه سازمان قضائی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی، در واقعیت امر چیزی نیست، جز صحنه‌سازی و تلاش رژیم برای سرپوش گذاشتن بر جنایات دستگاه‌های سرکوب جمهوری اسلامی، مختومه اعلام کردن پرونده این

جنایات و متوقف ساختن اعتراضات سازمان‌های بین‌المللی و گروه‌های قانون‌گرا که خواستار محاکمه و مجازات عاملین این فجایع توسط دستگاه قضائی جمهوری اسلامی شده بودند.

در بیانیه سازمان قضائی نیروهای مسلح نه نامی از متهمین برده می‌شود و نه از مقام و موقعیت آن‌ها در دستگاه پولیسی جمهوری اسلامی. اما ناگفته روشن است که این افراد باید از مأموران رده‌های پائین پولیس باشند که معمولاً رفتار و برخورد آن‌ها وابسته به دستوراتی است که مقامات مافوق آن‌ها صادر می‌کنند. تا جایی که می‌دانیم هیچ‌یک از مقامات و فرماندهان رده‌های بالای پولیس نه دستگیر شده و نه محکوم شده‌اند، بالعکس فرمانده پولیس تهران که مسؤولیت اصلی را در این رابطه بر عهده داشت، ارتقاء مقام یافت و شد معاون فرمانده کل پولیس.

در کشورهایی که حساب و کتابی در کار است، وقتی اتفاق مهمی و خلافی در یکی از نهادها و ارگان‌های دولتی رخ می‌دهد، اولین کسی که باید پاسخگو باشد، بالاترین مقام آن نهاد یا ارگان است. در جمهوری اسلامی که یک رژیم دیکتاتوری عریان است، قضیه کاملاً برعکس می‌باشد. نه فقط بالاترین مقامات پاسخگو نیستند، بلکه در مواردی که حتا خودشان مستقیماً دستوری صادر کرده باشند، از مصونیت برخوردارند و خیلی که مسأله بیخ پیدا کند، چند نفری را از پائین‌ترین رده‌ها قربانی می‌کنند. ماجرای به اصطلاح محاکمه متهمین کشتارگاه کهریزک هم بر همین منوال است. متهمان اصلی فاجعه نه محاکمه شده و نه خواهند شد. پرونده حمله پولیس و بسیجیان به کوی دانشگاه و سرکوب دانشجویان نیز به وضوح همین واقعیت را نشان می‌دهد. در این جا، دیگر به عنوان متهم، نه از عوامل دولت بلکه از "افراد متفرقه و غیر مسؤول" نام برده می‌شود که گویا معلوم نیست، این‌ها که هستند و از کجا به همراه پولیس به کوی دانشگاه حمله کرده‌اند. جمهوری اسلامی از آن رو به صحنه‌سازی‌هایی از نمونه سازمان قضائی نیروهای مسلح، نیاز دارد که این فجایع رژیم ابعاد و انعکاس بین‌المللی پیدا کرد و اسناد متعددی از آن‌ها توسط مردم حتا به صورت فیلم انتشار یافت. علاوه بر این برخی از کسانی که در شکنجه‌گاه کهریزک به قتل رسیدند، فرزندان برخی از مقامات و وابستگان رژیم بودند. در چنین شرایطی گروه‌های قانون‌گرای جمهوری اسلامی و سازمان‌های بین‌المللی مدافع حقوق بشر که چارچوب قانونی جمهوری اسلامی را می‌پذیرند، خواستار محاکمه و مجازات عاملین این جنایات توسط رژیم شدند. جمهوری اسلامی هم آن‌گونه که خود می‌خواهد، به اصطلاح دادگاهی تشکیل داد و حالا به آن‌ها می‌گوید:

بفرمائید! این هم دادگاه، و این هم محاکمه و محکوم شدن متهمین بازداشتگاه کهریزک. قضیه از دیدگاه معترضان قانون‌گرا و سازمان‌های حقوقی بین‌المللی مختومه می‌گردد. اما آنچه که مختومه نیست، باز بودن این پرونده نزد توده‌های مردم ایران است که هیچ اعتباری برای دستگاه قضائی جمهوری اسلامی و احکام آن قائل نیستند. این دستگاه را شریک جرم می‌دانند و رسیدگی به این پرونده‌ها را زمانی آغاز می‌کنند که رژیم جمهوری اسلامی را سرنگون کرده باشند و با استقرار یک سیستم قضائی که در آن قضات نیز انتخابی و قابل عزل خواهند بود، جنایتکاران را به محاکمه خواهند کشید.

### **اختراع یک تاریخ جعلی برای پیدایش چماق‌داران حزب‌اللهی در جمهوری اسلامی**

از دیدگاه گروه‌های موسوم به اصلاح‌طلب جمهوری اسلامی، تاریخ موجودیت جمهوری اسلامی در ایران به دو دوره متمایز تقسیم می‌گردد. دوره‌ای که از سرنگونی رژیم شاه آغاز و به مرگ خمینی خاتمه می‌یابد، دوران طلائئ حاکمیت الله بر روی زمین است که جز نیکی، عدالت، آزادی، برابری، رفاه و پرهیز از خشونت، چیزی وجود نداشت. تنها در دوره پس از مرگ خمینی تا به امروز است که هر آنچه زشتی، بی‌عدالتی، استبداد و

نابرابری، خشونت و فقر است، بر مردم ایران نازل می‌شود و حکومت الله، آن‌ها را به عذابی الیم گرفتار می‌سازد. بنابراین آن‌ها اکنون رسالت خود را بازگشت به صدر حاکمیت جمهوری اسلامی اعلام می‌کنند و به پیروان خود بشارت می‌دهند با گرد آمدن در زیر پرچم سبز محمدی، عصر طلایی را احیاء کنند.

اما این به اصطلاح عصر طلایی، چیزی جز دورانی از فجایع و جنایات بی‌شمار نبود. به جرأت می‌توان گفت که در تاریخ لااقل یک صد سال اخیر، از انقلاب مشروطیت تا به امروز، هرگز دوره‌ای را نمی‌توان یافت که جنایات و وحشی‌گری‌های طبقات حاکم، علیه مردم ایران، در ابعاد دوران خمینی باشد. چگونه می‌توان بر این دوران سراسر جنایت و بیدادگری که عصر حاکمیت گروه‌های خط امام دیروز و اصلاح‌طلبان و سبزه‌های امروز است، سرپوش نهاد؟ به همان شکلی که از جبارترین و ستمکارترین فرمانروایان، انوشیروان‌های عادل ساخته‌اند و به زور تکرار، به مردم ناآگاه تحمیل کرده‌اند. بخش بزرگی از مردم ایران یا در آن ایام هنوز متولد نشده بودند و یا کودکان کم سن و سالی بیش نبودند. استبداد هولناک حاکم بر ایران نیز مانع از آن بود که نسل جدید در ابعادی توده‌ئی بتواند به تمام ابعاد فجایع بی‌انتهای دوران خمینی آگاهی یابد. وقتی که هنوز پس از گذشت بیش از دو دهه از کشتار دسته‌جمعی زندانیان سیاسی، ملیون‌ها تن از توده‌های مردم خبر این جنایت هولناک را هم نشنیده‌اند، برای گروه‌های رقیب باند خامنه‌ای - احمدی‌نژاد، دشوار خواهد بود که مبدا جدیدی برای فجایع و جنایات بی‌شمار دوران جمهوری اسلامی قرار دهند. جنایت زندان کهریزک، بی‌سابقه اعلام می‌شود که برای نخستین بار در ایران رخ داده است. شکنجه، تجاوز و کشتار پدیده جدیدی است که در سال ۸۸ معمول می‌گردد.

دادگاه‌های نمایشی و محاکمه مخالفان سیاسی در دادگاه‌های در بسته چند دقیقه‌ای، اتفاق تازه‌ای است که اخیراً رخ داده و مسبوق به سابقه نیست. در دوران خمینی، دوران حاکمیت امثال رفسنجانی، موسوی و کروبی مطلقاً از این فجایع خبری نبود! نه در سال‌های ۵۸ و ۵۹، نه در سال ۶۰ و سال‌های پس از آن تا ۶۷. اکنون وقت آن رسیده است که برای گروه‌های چماق‌دار حزب‌اللهی و بسیجی هم مبدا جدیدی اختراع شود که آن هم به دوران پس از خمینی بازمی‌گردد.

در این هفته چماق‌داران حزب‌اللهی و بسیجی بار دیگر به کروبی در دانشگاه صنعتی یورش بردند که برای شرکت در مراسم ختم پدر معاون خاتمی در مسجد این دانشگاه حضور یافته بود. چماق‌داران حکومت اسلامی با فحاشی و تهدید وی را به خروج از دانشگاه واداشتند. اتفاق جدیدی نیست، از این صحنه‌ها در جمهوری اسلامی فراوان بوده و هست و اکنون مدتی است که گروه‌های اسلام‌گرای رقیب باند خامنه‌ای - احمدی‌نژاد نیز مشمول حملات این اوباش شده‌اند. اما آنچه که جدید است مصاحبه‌ای از کروبی پس از این اتفاق است. وی در این مصاحبه با سایت سبزه‌ها، تلاش می‌کند یک تاریخ جعلی برای منشاء و پیدایش چماق‌داران حزب‌اللهی حکومت اسلامی، اختراع کند و پیدایش این گروه‌ها را به دوران پس از مرگ خمینی ارتباط دهد.

وی در این مصاحبه از جمله می‌گوید: "اما موضوع حمله‌ها و توهین‌های سریالی گروهی جیره‌خوار و حقوق‌بگیر که گاه لباس مقدس بسیج را به تن می‌کنند. یک سال پس از رحلت امام، فرمانده بسیج وقت پیش من آمد و گفت که قصد داریم تشکیلات و گردان‌هایی را در شهرهای کشور ایجاد کنیم. من ضمن مخالفت، علت تشکیل چنین تشکیلاتی را جویا شدم که وی هدف از تشکیل گردان‌های بسیج را مقابله با شورش‌ها و تظاهرات‌های مردمی اعلام نمود و گفت که با نیروی بسیج می‌توانیم این تظاهرات‌ها را سرکوب کنیم. که مجدداً با مخالفت من روبرو گردید." من بسیار متأسفم که این‌ها کارشان به جایی رسیده که با دانشگاهیان برخورد می‌کنند، در مساجد مردم را کتک می‌زنند، در رأی‌گیری‌ها تقلب می‌کنند، در خیابان‌ها به کشتار مردم می‌پردازند و نام و یاد بسیج را لکه‌دار کرده و

عملکرد این افراد بدانجا رسیده که میراث امام که همان جمهوریت و اسلامیت بود، اکنون رنجور و ناتوان گشته است.

"بنده می‌گویم، اگر زمان شاه یک شعبان بی‌مخ بود، اکنون این حاکمیت، صدها شعبان بی‌مخ تربیت کرده است." اشتباه می‌فرمائید آقای کروبی، بحث از صدها شعبان بی‌مخ در جمهوری اسلامی نیست. بنای حکومت اسلامی از همان آغاز بر شعبان بی‌مخ‌ها قرار گرفت. خمینی خود در رأس شعبان بی‌مخ‌ها قرار داشت. او بود که از همان آغاز به نوچه‌های خود دستور داد، چوبه‌های دار را برپا کنید، قلم‌ها را بشکنید، به تجمعات سازمان‌های سیاسی یورش برید. دفاترشان را تعطیل کنید. مخالفین را بی‌رحمانه کشتار کنید. زندانیان سیاسی را قتل عام کنید. کروبی نباید فراموش کرده باشد که گروه‌های چماق‌دار حزب‌اللهی، حتا پیش از آن که رژیم شاه سرنگون شود، متشکل از لات‌ها و چاقوکش‌های محلات، به دور مساجد سازمان‌دهی شدند. آن‌ها گروه‌های سیاه‌پوشی بودند که وظیفه داشتند با چماق و چاقو به هر تجمع و تظاهرات دیگری به جز طرفداران خمینی یورش برند و آن را بر هم بزنند. آن‌ها وظیفه داشتند، فعالان این تجمعات را شناسائی کنند و به قتل برسانند. فعال‌ترین بخش دستگاه روحانیت که در سازماندهی این اوپاش نقش داشت، همان جریان‌ی بود که پس از سرنگونی رژیم شاه، خود را پیرو خط امام می‌دانست و قدرتمندترین بخش دستگاه روحانیت در حاکمیت بود. یعنی همان‌هایی که بعداً مجمع روحانیون را تشکیل دادند. نخست‌وزیرشان موسوی، قاضی مورد اعتمادشان خلخالی، قاضی‌القضات‌شان بهشتی و موسوی اردبیلی، دادستان‌شان صانعی و فرمانده چماق‌داران‌شان غفاری و رهبرشان خمینی جلاد. و چه جنایاتی که در این دوران رخ نداد!

کروبی گویا اصلاً به یاد نمی‌آورد، شکل‌گیری گروه‌های چماق‌دار حزب‌اللهی در دوران قبل از قیام که با شعار "حزب فقط حزب‌الله، رهبر فقط روح‌الله" به تجمعات سازمان‌ها یورش می‌بردند. به یاد نمی‌آورد سردسته‌های این باندهای تبهکار، امثال غفاری و دیگر پیروان خط امام را در بر هم زدن تجمعات سیاسی، ترور مخالفان رژیم، پرتاب نارنجک به درون گردهمایی‌ها، پاشیدن اسید به صورت زنان و تیغ‌کش کردن آن‌ها، حمله به دانشگاه‌ها و قتل عام دانشجویان و تعطیل دانشگاه‌ها، کشتار علنی مردم در خیابان‌ها پس از ۳۰ خرداد سال ۶۰. همین‌ها هستند که به فرمان خمینی در نقش بسیج ظاهر می‌گردند و وظیفه خود را در حفظ رژیم بر عهده می‌گیرند. کروبی اما بهتر از هر کس دیگر از تمام این جنایات و سرمنشاء پیدایش حزب‌اللهی و بسیج آگاه است. معه‌ذا چون او و دیگر گروه‌های رقیب خامنه‌ای - احمدی‌نژاد، خود از پایه‌گذاران و مجریان رژیمی در ایران هستند که تمام دوران موجودیتش با جنایات بی‌انتهای عجیب است، برای تبرئه خود و یارانش که حکومت الله را بر روی زمین برپا کردند، ناگزیر است، به تحریف متوسل گردد. دو دوره در تاریخ موجودیت جمهوری اسلامی ترسیم کند. دوره‌ای که عصر طلایی مردم ایران بود و از جنایات و ستم‌گری‌های حکومت اثری نبود، و دوره‌ای که مملو از جنایت و فجایع حکومت اسلامی می‌گردد. داستان‌سرائی کروبی در پیدایش گروه‌های چماق‌دار در خدمت همین تحریف تاریخ است. اما اینان باید مطمئن باشند که توده‌های مردم ایران، دو بار از یک سوراخ گزیده نمی‌شوند. تراژدی استقرار جمهوری اسلامی تکرار نخواهد شد. مردم ایران دریافته‌اند که ریشه سیاسی تمام فجایعی که در دوران جمهوری اسلامی رخ داد، در خود حکومت اسلامی، در تلفیق دین و دولت است. **حکومت مذهبی خوب و بد، هرگز وجود نداشته و نخواهد داشت. هر دولت مذهبی، شر مطلق است.** یکی از مطالبات مهم مردم ایران در جریان مبارزاتی که هم اکنون در جریان است، جدائی کامل دین از دولت است. دولتی در ایران باید بر سر کار آید، که هر گونه رابطه در آن میان دین و دولت، دستگاه روحانیت و حکومت گسسته شده باشد و هیچ مذهبی به عنوان مذهب رسمی کشور پذیرفته

نشود. هر گونه دخالت روحانیت در مدارس و هر گونه کمکی به این دستگاه ممنوع گردد. روحانیون باید پی زندگی خصوصی‌شان بروند و از طریق صدقه‌های مؤمنین ارتزاق کنند. دولت مذهبی باید به رادیکال‌ترین شکل ممکن، از ایران جاروب شود و این الگوئی شود برای تمام مردم خاورمیانه که هر یک به شکلی در چنگال دولت‌های مذهبی پوشیده و آشکار گرفتارند.

## واکنش احمدی‌نژاد به مصوبه شورای امنیت و بیانیه گروه ۸

چنین پیداست که یکی از وظایف قدرت‌های بزرگ جهان در اجلاس‌های سالانه خود، این شده است که ضمن چارمجویی برای بحران‌ها و دیگر دردهای بی‌درمان نظام سرمایه‌داری جهانی، پیرامون جمهوری اسلامی هم‌گپی بزنند و در بیانیه‌های پایانی خود بار دیگر جمهوری اسلامی را نصیحت کنند که به پای میز مذاکره بیاید و با پذیرش ضوابط و مقررات جهانی، به آغوش جامعه بین‌المللی بازگردد.

واقعیت این است که نظام سرمایه‌داری جهانی اکنون درگیر چنان تضادها و بحران‌هایی است که قدرت‌های امپریالیست حتی از حل مسایل روزمره کشور خودشان هم مانده‌اند، تا چه رسد به مسایل مهم جهانی، از جمله بحران جهانی اقتصاد سرمایه‌داری، بحران‌های سیاسی جهان و بحران‌های اجتماعی که به ویژه ناشی از بحران‌های اقتصادی و از هم گسیختگی در کل نظام سرمایه‌داری‌اند. این که طالبان افغان، القاعده و جمهوری اسلامی می‌توانند به یکی از معضلات جهان تبدیل شوند، خود، بیان دیگری از بحران‌های سیستم جهانی سرمایه‌داری است. اما آنچه که در این میان به جمهوری اسلامی مربوط می‌گردد، ۸ قدرت بزرگ جهان در بیانیه پایانی اجلاس امسال خود نیز از جمهوری اسلامی خواستند که قطعنامه‌های شورای امنیت را به اجراء درآورد، غنی‌سازی اورانیوم را متوقف سازد، به حاکمیت قانون و آزادی بیان احترام بگذارد و آمادگی خود را برای مذاکره اعلام کند.

پاسخ جمهوری اسلامی هم به همان روال سال‌های گذشته بود. احمدی‌نژاد در این هفته، یک کنفرانس خبری برپا کرد که کلاً پاسخی به این درخواست‌ها بود. وی در پاسخ به قطعنامه‌های شورای امنیت برای توقف غنی‌سازی گفت:

چیزی به نام موضوع هسته‌ای وجود ندارد که قابل بحث باشد، این بهانه‌ای است از سوی دشمنان. اما گرچه جمهوری اسلامی توان تولید غنی‌سازی ۲۰ درصدی اورانیوم را دارد، برای نشان دادن تعامل، آن‌ها باید بی هیچ قید و شرطی سوخت ۲۰ درصدی مورد نیاز راکتورهای تحقیقاتی را برای تولید دارو به ما تحویل دهند. چون قطعنامه جدیدی در شورای امنیت صادر کردند، برای ادب کردن آن‌ها زمان مذاکرات را تا مرداد ماه به عقب می‌اندازیم. اما پیش شرط این مذاکرات پاسخ به چند نکته است در مورد نظرشان پیرامون بمب‌های اتمی اسرائیل، تبعیت از مقررات ان - پی - تی، تغییر ترکیب مذاکره کنندگان و هدف از مذاکره. احمدی‌نژاد افزود:

تحریم‌های شورای امنیت هیچ تأثیر منفی بر اقتصاد ایران ندارد، اما در خصوص بازرسی کشتی‌ها اگر دست از پا خطا کنند، حتماً به همان نسبت پاسخ خواهند گرفت.

واکنش احمدی‌نژاد به قطعنامه شورای امنیت و بیانیه گروه ۸، انعکاسی از لاینحل بودن اختلافات میان جمهوری اسلامی و قدرت‌های بزرگ جهان است. این موضع‌گیری نشان می‌دهد که قرار نیست هیچ اختلافی حل شود. احمدی‌نژاد که به خوبی می‌داند دامن زدن به تضادها و بحران‌های خارجی رژیم، یکی از وسایل سرپوش گذاشتن

بر بحران‌های داخلی‌ست، در این کنفرانس خبری بر همین واقعیت صحنه می‌گذارد و گام دیگری در تشدید بحران‌های خارجی و مخاصمات بین‌المللی برمی‌دارد.

.....